

سنجش میزان تأثیر ایدئولوژی نوسلفی بر افراطی‌گری در قاره آفریقا

دکتر مجید رسولی* - استادیار گروه ژئوپلیتیک مرکز مطالعات آفریقا-دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

دکتر غلامرضا بلندیان - استادیار دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، تهران، ایران.

یاسر کنعانی - دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۹

DOR:20.1001.1.17354331.1402.19.69.7.8

چکیده

قاره آفریقا با توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد خود دارای شرایطی مناسب در راستای گسترش ایدئولوژی نوسلفی وهابی و جریان‌های افراطی است؛ به گونه‌ای که تهدیدات ناشی از گسترش آن منجر به بسط و توسعه شبکه‌های اسلام‌گرای رادیکال در این قاره شده است. در همین راستا، این نوشتار زمینه وسیع‌تری از جریان‌های مختلف عملکرد اسلامی در آفریقا و عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که در منطقه شکل گرفته‌اند را مورد شناسایی قرار داده و به تجزیه و تحلیل عوامل موثر در شکل‌گیری آن‌ها پرداخته است. هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی تأثیر ایدئولوژی نوسلفی وهابی بر جریان‌های افراطی در قاره آفریقا می‌باشد که می‌تواند برای برنامه‌ریزی و مدیریت جریان‌های نوسلفی به عنوان الگویی مدنظر قرار گیرد. این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از روش میدانی و بهره‌گیری از تکنیک دیمتل درصدد بررسی تأثیر ایدئولوژی نوسلفی وهابی بر جریان‌های افراطی در قاره آفریقا است. یافته‌های تحقیق نشان داد متغیرهایی مانند ایدئولوژی حذف، مداخلات سازمان ملل و نهادهای بین‌المللی، فقر فرهنگی و ایدئولوژی مسلمانان آفریقایی، ناکارآمدی دولت، جنبش ضدآپارتاید برای مبارزه تبعیض نژادی در منطقه نشان‌دهنده تعامل بالا و ارتباط سیستمی قوی با سایر متغیرها هستند. عواملی مانند عدم فعالیت منسجم جریان بیداری اسلامی، دیدگاه منفی نسل جدید آفریقایی از استعمار غرب، ضعف ساختاری آن با سایر مناطق جهان، فقدان درآمد کافی به عنوان معلول نمایش داده شده است.

واژه‌های کلیدی: نوسلفی وهابی، جریان‌های افراطی، قاره آفریقا، تروریسم.

۱. مقدمه

گسترش حملات تروریستی در سال‌های اخیر موجب شده است که متخصصان رشته‌های مختلف علوم انسانی، جنبه‌های مختلف این پدیده را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده تا دلایل و زمینه‌های شکل‌گیری و گسترش آن را تشریح کنند (Etaat and Dabiri, 2015:25). مروری بر پیدایش و گسترش گروه‌های تروریستی مدرن نشان می‌دهد که تاکتیک‌ها و تکنیک‌های استفاده شده توسط آن‌ها، واکنشی به تغییرات گسترده محلی، منطقه‌ای و جهانی در طول چند دهه اخیر بوده است. تقریباً اکثر این گروه‌ها در طول چند دهه گذشته و از میانه‌های دهه ۱۹۶۰ به وجود آمده‌اند (Rasouli and shariati, 2020:205). در واقع تروریسم ذاتاً یک عمل سیاسی می‌باشد که بر مبنای فرآیندهای دقیق محاسباتی از سوی گروه‌های افراطی شکل می‌گیرد (Ahmadipour and et al, 2016:29). طی یک دهه گذشته قاره آفریقا برخاسته از بحران‌های داخلی، رقابت‌های سیاسی و ایدئولوژیکی منطقه‌ای و مداخله قدرت‌های فرامنطقه‌ای کانون پیدایش و گسترش اندیشه‌های افراط‌گرایانه شده که هزینه‌ها و آثار کلانی در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی در پی داشته است (Kaviani Rad and et al., 2018:26). در واقع تروریسم نه یک ایدئولوژی است و نه یک جنبش بلکه روشی برای رسیدن به اهداف سیاسی می‌باشد (Darvishi and Hatamzadeh, 2013:139). صرف‌نظر از این که کشورهای مختلف چه موضعی نسبت به این دو پدیده دارند و یا جوهره سیاست رسمی کشورهای مختلف در قبال آنها چیست، جامعه جهانی با این باور مشترک هم‌داستان است که باید به فوریت به این معضلات پرداخت و با مؤثرترین شکل ممکن از دست آنها خلاصی یافت. در ضرورت برخورد با این چالش کمترین تردیدی وجود ندارد. فراسوی مجادلات پایان‌ناپذیر رایج میان سیاستمداران، این دو معضل هم‌زاد یعنی تروریسم و افراط‌گری، نتیجه طبیعی ناکارآمدی وضعیت کنونی بین‌المللی و به ویژه تحولات اخیر است. این دو معضل نه به منطقه مشخصی از جهان محدود می‌شود و نه مختص دین و مذهب خاصی است. هم‌چنین نمی‌توان تنها در محدوده یک منطقه خاص و یا با اتکاء صرف بر سخت‌افزارهای نظامی با آن مقابله کرد. پس از گذشت یک و نیم دهه از شکست کامل در مبارزه با تروریسم - پس از حادثه یازده سپتامبر - واقعیات ملموس و کریه‌امروزمین ما را بر

آن می‌دارد تا با چشمانی کاملاً باز و به دور از توهم و یا خودفریبی این چالش‌ها را بررسی و مطالعه کنیم. اکنون باید بر همه آشکار شده باشد که مبارزه تأثیرگذار و موفق علیه این دو پدیده، نیازمند رویکرد همه‌جانبه و راهبرد چندبخشی است که بیش و پیش از هر چیز، در گروی درک هوشیارانه از شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و جهانی است که زمینه‌ساز این دو پدیده شده‌اند.

مهار نمودن و در نهایت ریشه‌کن کردن واقعی سازمان‌های افراط‌گرای تروریستی در قاره آفریقا نیاز مبرم جهان امروز است. اما این تنها گام نخست و بخشی از یک تلاش بزرگ‌تر محسوب می‌گردد. معضلاتی با طبیعت جهانی و ریشه‌های عمیق، باید به درستی درک گردد. علاوه بر این، همکاری بین‌المللی در راستای مبارزه با این پدیده‌ها، ضروری است. از بین مناطق مختلف جهان، به خصوص قاره آفریقا بیشتر از سایر مناطق با پدیده تروریسم و افراطی‌گری روبرو شده است. ظهور طالبان، بوکوحرام، القاعده در مغرب اسلامی، داعش، انصارالشریعه و بسیاری دیگر از گروه‌های تروریستی و افراطی در این منطقه خود دلایلی برای اثبات این حقیقت است. دلایل بروز تروریسم در منطقه آفریقا را می‌توان در زمینه‌های مختلف از جمله سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جستجو کرد. در این نوشتار در پی آن هستیم که بیان کنیم چگونه عوامل فرهنگی، از جمله عقاید، باورها، سنت‌ها، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری ریشه‌دار و دیرپا، باعث شده‌اند که گروه‌ها و جریان‌های مختلف در این منطقه از جهان به بازتعریف هویت خود در جهت گرایش به رفتارهای تروریستی و افراطی پردازند.

تصویب قطعنامه شماره A/68/L.31 در تاریخ ۱۰ دسامبر ۲۰۱۳ با عنوان «جهان علیه خشونت و افراطی‌گری» در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به پیشنهاد جمهوری اسلامی ایران که با رای قاطع نمایندگان ۱۹۰ کشور جهان و بدون مخالفت به تصویب رسید، نشان از آن دارد که جامعه جهانی تا چه میزان از ناحیه این پدیده احساس خطر می‌کند. از طرف دیگر در ارائه راه‌حل برای مهار افراط‌گرایی با توجه به سابقه ذهنی منفی کشورهای آفریقایی از نقش وهابیت و نوسلفی‌ها در ایجاد ناامنی در این قاره و گسترش جنگ‌های فرقه‌ای و به چالش کشیدن مفاهیم مذهبی همچون جهاد و امر به معروف و نهی از منکر که در این سالیان بشدت گسترش داشته است؛

پیشینه حکومت‌داری ایرانیان در شرق آفریقا در هزار سال گذشته؛ به عنوان نمادی از تاثیرگذاری بر مردم آفریقا می‌تواند مورد توجه محققان قرار گیرد و تشکیل امپراطوری شیرازی‌ها در جزایر شرق آفریقا به ویژه زنگبار نمونه‌ای از انتقال اندیشه سیاسی در غالب مفاهیمی همچون شاه؛ وزیر؛ دیوان؛ مکتب و ده‌ها واژه دیگر می‌باشد که امروز در زبان سواحلی مورد کاربرد قرار دارد.

۲. روش تحقیق

روش تحقیق از نوع اسنادی، تحلیلی و پیمایشی می‌باشد. بر اساس موضوع اصلی پژوهش ضمن مرور ویژگی‌های ایدئولوژی نوسلفی وهابی، داده‌های حاصل از مطالعات نظری و طرح‌های علمی، دینی و اجرایی و گزارش‌های مستند سازمان‌های مربوطه مورد بررسی قرار گرفت و اطلاعات پایه جمع‌آوری و طبقه‌بندی شدند. با توجه به این که ایدئولوژی نوسلفی گرایی دارای تأثیرات و مفهومی سیستمی و یکپارچه است برای تعیین روابط علت و معلولی بین متغیرهای جریان‌های افراطی از تکنیک دیمتل بهره گرفته شد. تکنیک دیمتل توسط فونتلا^۳ و گابوس^۳ به سال ۱۹۷۱ ارائه شد. هدف تکنیک دیمتل شناسایی الگوی روابط علی میان یک دسته معیار است. این تکنیک شدت ارتباطات را به صورت امتیازدهی مورد بررسی قرار داده، بازخورها توأم با اهمیت آنها را تجسس نموده و روابط انتقال‌ناپذیر را می‌پذیرد. پایه روش دیمتل بر اساس این فرض بنا شده که یک سیستم شامل مجموعه‌ای از معیارهای $C = \{C_1, C_2, \dots, C_n\}$ است و مقایسه زوجی روابط میان آنها می‌تواند به وسیله معادلات ریاضی مدل شود. این تکنیک برای ساختن و تحلیل مدل‌های ساختاری مرتبط با روابط علی و معلولی پیچیده میان عوامل یک مسئله است.

۳. پیشینه تحقیق

خالینون (۲۰۲۰) در مقاله‌ای بیان می‌کند روند سیاسی‌شدن افکار سنتی سلفی منجر به ظهور اسلام‌گرایی محافظه‌کار شد که در نهایت از سنت‌گرایی قرون وسطایی فاصله گرفت و با شرایط

1.DEMATEL
2.Fonetla
3.Gabus

سیاسی مدرن سازگار شد. روند سیاسی شدن سلفی‌گری توسط اصلاح‌طلبان سلفی الافغانی و م. عبده در اوایل قرن بیستم آغاز شد. با این حال، عقاید سلفی اصلاح‌طلبان توسط اخوان‌المسلمین به ایدئولوژی سیاسی تغییر یافت، که در مراحل اولیه به شدت تحت‌تأثیر سلفی‌گری قرار گرفت. در طول دهه‌های ۵۰-۶۰ قرن بیستم، اسلام‌گرایی محافظه‌کار سلفی نوظهور در حالت تدافعی قرار گرفت، زیرا با ایده‌های ناسیونالیسم روبرو شد. کاراگریس (۲۰۱۹) در مقاله‌ای بیان می‌کند پس از وقوع انقلاب‌های بهار عربی، احزاب سلفی در مصر و تونس تأسیس شدند. آنها تمایل دارند دیدگاه‌های فوق‌محافظه‌کارانه در مورد مسائل اجتماعی و جنسیتی داشته باشند، اما استفاده از خشونت را محکوم کرده‌اند. حزب النور در مصر و جبهه اصلاحات در تونس از اجرای شریعت با ابزارهای دموکراتیک حمایت کرده‌اند. آنها انتخاب کرده‌اند که از طریق مجلس و در چارچوب قانون اساسی تبلیغات کنند. با این حال، مشارکت آنها در نظام سیاسی مصر و تونس پس از انقلاب با توجه به رد دموکراسی توسط سلفی‌ها یک معما است. این مقاله از نظریه چارچوب‌بندی برای درک اینکه چرا سلفی‌های انتخاباتی برای جلب حمایت و بقای سیاسی از شیوه‌های دموکراتیک حمایت کرده‌اند استفاده می‌کند. کابو (۲۰۱۷) در مقاله‌ای بیان می‌کند مطالعات جنبش‌های سلفی و وهابی در غرب آفریقا از دهه ۱۹۹۰ بر ردیابی ریشه‌های محلی این جنبش‌ها متمرکز شده است تا بر عاملیت آفریقایی‌ها تأکید شود، در مقابل فرضیه‌های اشتباهی که این جنبش‌ها توسط مبلغان مسلمان خارجی بر آفریقایی‌ها تحمیل شده است. این مطالعات نشان داد که مسلمانان آفریقایی دریافت‌کنندگان منفعل عقاید سلفی برخاسته از جهان عرب نیستند. برعکس، آنها فعالانه در تولید و انتشار چنین دانشی برای رسیدگی به نگرانی‌های محلی خاص شرکت کردند. علاوه بر این، آنها پیام سلفی را با دقت بازسازی کردند تا برای مخاطبان محلی جذاب باشد. الیچر (۲۰۱۹) در مقاله‌ای بیان می‌کند این مقاله بر دو انجمن تحت رهبری سلفی‌ها، شورای امامان و وعاظ در کنیا و مجمع ملی رهبران مسلمان^۲ متمرکز دارد. این دو عامل را متذکر می‌شود: اول، کاهش اثربخشی و ارتباط هر دو

1. Council of Imams and Preachers in Kenya (CIPK)

2. National Assembly of Muslim Leaders (NAMLEF)

سازمان. و دوم، و در نتیجه اولی، سهم ناخواسته سلفی‌گری سیاسی در رادیکالیزه کردن جوانان مسلمان کنیا در منطقه ساحلی کنیا. این مطالعه استدلال می‌کند که هر دو نتیجه چندین عامل مرتبط با یکدیگر هستند، از جمله دخالت شورای امامان و وعاظ در کنیا و مجمع ملی رهبران مسلمان در سیاست حزبی، ماهیت نوسلفی نظام سیاسی کنیا، و همچنین تمایل رهبران شورای امامان و وعاظ در کنیا و مجمع ملی رهبران مسلمان برای مشارکت در آن سیستم و انتصابات عمومی عالی‌رتبه برای خود ایجاد کنند.

باتوجه به اینکه تاکنون تحقیقاتی در عرصه داخلی مرتبط با نوسلفی‌گری در قاره آفریقا صورت نگرفته و از طرفی پژوهش حاضر از تکنیک (دیمتل) جهت تحلیل متغیرها و نقش ایدئولوژی در ایجاد تحولات سیاسی آفریقا بهره‌گیری نموده مقاله دارای نوآوری و خلاقیت می‌باشد.

۴. مبانی نظری تحقیق

۴-۱. ایدئولوژی

ایدئولوژی به مجموعه‌ای از باورهای صریح و نظام‌مند حکومتداران درباره سیاست‌های اعلانی و اعلامی اشاره دارد که طیف گسترده‌ای از اندیشه‌ها و بنیادهای نظری و عملی را در عرصه سیاسی دربرمی‌گیرد. ایدئولوژی‌ها چارچوبی را مشخص و مطرح می‌کنند که دولتمردان و حکومتداران به وسیله آن واقعیت‌های موجود در جوامع انسانی را به وضوح و شفاف ببینند. بنابراین انتظار نمی‌رود که به‌طور مستقیم ایدئولوژی‌ها در امور جزئی سیاسی و وارد شوند و برای همه مشکلات و معضلات موجود در جامعه، راه‌حل مناسبی ارائه دهند و در سطح کلان به صورت گسترده و صریح عمل نمایند. ایدئولوژی در واقع تعیین می‌کند آیا یک ملت می‌تواند در سیاست خارجی از طریق دیپلماتیک وارد شود و یا از زور استفاده نماید و در این زمینه به موفقیت دست یابد؟ و علاوه بر آن، کارکرد درجه سومی هم دارد و آن، توجیه گزینه‌ها و تصمیمات سیاسی مربوط به جوامع است که اقداماتی را بر اساس ایدئولوژی مطرح شده در سطوح سیاسی-اجتماعی اجرایی می‌نمایند (Khani and Mohammadi Sirat, 2015:97).

در واقع ایدئولوژی مجموعه‌ای از باورها یا فلسفه‌هایی است که به یک شخص یا گروهی از افراد نسبت داده می‌شود، به ویژه به دلایلی که صرفاً معرفتی نیستند، که در آن عناصر عملی به همان اندازه تئوریک برجسته هستند. که قبلاً عمدتاً برای نظریه‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سیاسی یا مذهبی به کار می‌رفت، در سنتی که به کارل مارکس و فردریش انگلس باز می‌گردد، استفاده جدیدتر این اصطلاح را عمدتاً محکوم می‌کند (Schlenker, 2012). این اصطلاح توسط انتوان دوتراسی، اشراف و فیلسوف فرانسوی روشنگری ابداع شد که در سال ۱۷۹۶ آن را به عنوان "علم ایده‌ها" برای ایجاد یک سیستم عقلانی از ایده‌ها برای مقابله با انگیزه‌های غیرمنطقی در نظر گرفت. در علوم سیاسی، این واژه در معنای توصیفی برای اشاره به نظام‌های اعتقادی سیاسی به کار می‌رود (Silvio, 2013). در واقع می‌توان بیان نمود که، ایدئولوژی به عنوان مهم‌ترین عنصر هویت‌بخش یک سازه سیاسی-فضایی، گروه، مکتب فکری یا افراد، نقش محوری ایفا کرده و یکی از ابزارهای مشروعیت رهبران سیاسی در سطح ملی محسوب می‌شود. به همین علت ایدئولوژی، حساس‌ترین، قاطع‌ترین و نافذترین جنبه سیاست برای یک کشور محسوب می‌شود. ایدئولوژی در عین اینکه بزرگ‌ترین و قوی‌ترین نیروی محرکه عمل سیاسی برای توده‌ها می‌باشد؛ از سویی دیگر اقدامات سیاسی را حمایت، هدایت و پشتیبانی می‌نماید. رهبران همیشه برای توجیه اعمال و رفتار خود از ایدئولوژی استفاده می‌کنند و برای مشروعیت بخشی به قدرت خود، یک ایدئولوژی خاصی را برای اجرایی ساطی اقدامات خود انتخاب می‌نمایند. در واقع می‌توان گفت که ایدئولوژی وسیله و ابزاری برای تبدیل قدرت سیاسی به اقتدار سیستم حکومتی است. چرا که اقتدار قدرت مبتنی بر رضایت شهروندان است و از این جهت، به مهم‌تر و اصولی‌تر از حکومت کردن به وسیله قدرت و اجبار می‌باشد. ایدئولوژی یک جامعه آرمانی با اهدافی خاص و ویژه را برای افرادی که تحت تاثیر آن هستند، ترسیم می‌کند و تمایلاتی را جست و جو می‌کند و برای رسیدن به آن اهداف و تمایلات، باید به بسیج توده‌های موجود در جامعه پرداخت و حتی از وجود روشنفکران مخالف و موافق حاضر در یک جامعه نیز استفاده نمود. ایدئولوژی کشورها در واقع نحوه دفاع در برابر تهدیدات داخلی و خارجی، حفظ استقلال، سیاست خارجی و نوع دیپلماسی، منافع و اهداف ملی و ... را تعیین می‌نماید.

۲-۴. نوسلفی وهابی

جریان نوسلفی، نهضتی دینی - سیاسی است که در دو سه دهه اخیر تکوین یافته است. نوسلفی‌گری شاخه‌ای از وهابیت است که به دلیل غلبه جنبه انتقادی آن نسبت به محافظه‌کاری سنتی وهابیت، توانسته است مخاطبان خاصی را به‌ویژه در مقابله‌جویی با کشورهای سلطه‌جو و برخی اقتدارگرایی‌ها در برخورد با قدرت‌های داخلی به دست آورد، چنان‌که می‌بینیم تأثیرات با واسطه سیدقطب در این روحیه ضدمحافظه‌گرایی جدی است. تکوین نوسلفی‌گری فرایند طولانی داشته است. برخی زمینه‌های فکری و سیاسی که به این امر کمک کرده‌اند، عبارتند از: تأثیر اندیشه مبارزه‌گرایانه سیدقطب در عربستان سعودی؛ تأثیرات منفی دولت سعودی از حضور نظامی امریکا در جنگ خلیج فارس؛ بازتاب ۱۱ سپتامبر و چالش افغانستان؛ بازتاب اشغال عراق، تأثیر اندیشه مبارزه‌گرایانه سیدقطب در عربستان سعودی سیدقطب، شخصیت تأثیرگذاری بود که روح مبارزه با دولت‌های فاسد را در میان کشورهای اسلامی زنده ساخت. ابوالاعلی مودودی با طرح اندیشه جاهلیت نوین، آن را حاکم بر تمدن غربی دانست، درحالی‌که سید قطب با الگوبرداری از این اندیشه، محدوده شمول جاهلیت را چنان گسترش داد که اکثریت مسلمانان را در بر گرفت (Rezwan Al-Sayed, 2007: 90-91).

کانون اندیشه سیدقطب بر اساس حاکمیت انحصاری خداوند متعال شکل گرفته بود. او این اندیشه را در فی ظلال القرآن و سپس به صورت صریح‌تر و تندتری در معالم فی الطریق بیان کرد. همه پاسخ‌دهندگان به سید قطب معتقد بودند که وی اندیشه خود را از خوارج گرفته است (Abu Zaid, 2007: 130-131).

این نگاه منفی به مسلمانان، به‌وسیله برخی گروه‌های منشعب از اخوان المسلمین اوج گرفت. در واقع می‌توان بیان نمود که نوسلفی‌گری جریانی می‌باشد که بر مبنای مولفه‌های سلفی‌گری و تفاسیر جدیدی از برخی از اصول و مولفه‌های آن بازتولید گردیده است. گرچه از منظر شناخت‌شناسی و روش‌شناسی تفاوت چندانی بین سلفی قدیم و نوین وجود ندارد اما به نظر می‌رسد که سلفیه نوین بیشتر به رادیکالیسم تمایل دارد و به صورت خشونت‌آمیزتری در عرصه جهانی نمود یافته است. سلفی‌ها بر این اعتقاد هستند که روش‌شناسی منحصر به فردی را برای

کنکاش و فهم درستی از دین مدنظر دارند و از منظر آنها تنها روش تشخیص تفسیر درست شریعت ابتدای این تفسیر بر قرآن سنت و سیره صحابه می‌باشد. این جریان جدید از منظر زمانی پس از اتمام شکست دولت طالبان در افغانستان بازتولید گردید و برمبنای جدیدی فعالیت خود را گسترش داد (Khani and Mohammadi Sirat, 2015:101).

۳-۴. جریان‌های افراطی در آفریقا

افراط‌گرایی خشونت‌آمیز و تروریسم هر دو دو عامل مهم و مشکل‌ساز هستند این مفاهیم بدون تعاریف پذیرفته‌شده جهانی برای دستیابی به اهداف هستند، در یکی از تعاریف ذکر شده است که افراط‌گرایی خشونت‌آمیز است به عنوان "تمایل به استفاده یا حمایت از خشونت" برای دستیابی به اعتقادات خاص، از جمله آنهایی که دارای ماهیت سیاسی، اجتماعی یا ایدئولوژیکی هستند می‌باشد و ممکن است که شامل اقدامات تروریستی نیز گردد. در مورد تروریسم، سه مورد مشترک وجود دارد عناصری که به طور کلی روی آنها توافق شده است، مشخص خواهند شد تروریسم که در این مفهوم استفاده شده است. اینها عبارتند از: (۱) استفاده یا تهدید به خشونت، (۲) متوجه غیرنظامیان یا دولت است اهداف، (۳) به منظور ارعاب یا اجبار برای اهداف سیاسی، مذهبی یا ایدئولوژیکی (Schmid, 2012).

طی دو دهه گذشته، ظهور و گسترش سازمان‌های افراطی محلی و فراملی به منابع اصلی ناامنی در آفریقا تبدیل شده است. اینها شامل الشباب است که از سومالی در سراسر شرق آفریقا گسترش یافته است. بوکو حرام، از شمال نیجریه به منطقه بزرگتر دریاچه چاد؛ القاعده در مغرب اسلامی، از الجزایر تا سایر ایالت‌ها در سراسر ساحل. و دولت اسلامی عراق و سوریه (داعش)، همچنان به نفوذ خود در قاره ادامه می‌دهند (Mets, 2019).

این گروه‌های مسلح غیردولتی ماهیت سیال و متغیر سیستم‌های درگیری امروز را منعکس می‌کنند و در قلب برخی از پایدارترین چالش‌های صلح و امنیت قاره قرار دارند. مرزهای متخلخل آفریقا، همراه با روندهای فعلی مانند شهرنشینی سریع و برآمدن جوانان، گرم شدن زمین، کمبود منابع، اتصال به اینترنت و میزان بالای مهاجرت، به منطقه‌ای شدن سیستم‌های

درگیری کمک کرده است و احتمالاً در آینده نیز ادامه خواهد یافت (United Nations Development Programme, 2016).

گسترش گروه‌های مسلح غیردولتی در مرزهای ملی، ایجاد "نقاط داغ منطقه‌ای" و ارتباطات فزاینده بین سازمان‌های افراطی محلی و بین‌المللی مجموعه‌ای از چالش‌های امنیتی منحصر به فرد را برای دولت‌های آفریقایی ایجاد می‌کند که نیازمند پاسخ‌های امنیتی مشترک هستند. نمونه‌هایی از این گونه پاسخ‌ها را می‌توان در نیروی کار چندملیتی^۱ و نیروی مشترک G5 ساحل مشاهده کرد. گروه اول شامل ۱۰ هزار و ۵۰۰ نفر سرباز منطقه‌ای از چاد، نیجر، بنین، کامرون و نیجریه برای مبارزه با بوکوحرام و دولت اسلامی در غرب آفریقا^۲ در منطقه دریاچه چاد است. دومی در سال ۲۰۱۴ در موریتانی برای مبارزه با گروه‌های مسلح غیردولتی و گروه‌های جنایتکار در بورکینافاسو، چاد، مالی، موریتانی و نیجر تشکیل شد. در سال‌های اخیر، گسترش چشمگیری از فعالیت‌های افراط‌گرایان اسلام‌گرا در امتداد "کریدور شرق آفریقا"، یک فضای ژئوپلیتیک که از سومالی، کنیا و اوگاندا از طریق تانزانیا، موزامبیک و آفریقای جنوبی امتداد دارد، گسترش یافته است (Institute of Economics and Peace, 2018).

از سال ۲۰۰۵، الشباب رهبری شورشی علیه دولت فدرال سومالی و نیروهای نمایندگی اتحادیه آفریقا در سومالی^۳ را بر عهده داشته و حملات تروریستی را در کنیا، اوگاندا و تانزانیا انجام داده است. در هر کشوری، این گروه موفق شده است که با بازیگران اسلام‌گرای محلی پیوند یا ادغام شده و رد پای عملیاتی خود را گسترش دهد. در حالی که موزامبیک و آفریقای جنوبی به طور سنتی در برابر تهدید تروریسم عایق شمرده می‌شدند، فعالیت‌های افراطی اخیر در هر کدام از کشورها نگرانی‌های امنیتی را افزایش داده است. از سال ۲۰۱۷، موزامبیک در استان‌های شمالی خود کادو دلگادو، نیاسا و نمپولا شورشی نوپای اسلامی را شاهد بوده است (Fabricius, 2020).

1. Regional Hotspots

2. Multinational Joint Task Force (MNJTF)

3. Islamic State in West Africa (ISWAP)

4. African Union Representative Forces in Somalia (AMISOM)

در حالی که آفریقای جنوبی با هر دو مورد اسلامگرایان (Swart, 2018) و راست افراطی مواجه شده است. افراط‌گرایی شکست پاسخ‌های سنتی مبارزه با تروریسم، اغلب با اقدامات امنیتی شدید که حقوق شهروندان را زیر پا می‌گذارد و نارضایتی‌ها را تشدید می‌کند، باعث حرکت به سوی طراحی استراتژی‌ها، سیاست‌ها و برنامه‌هایی شده است که "مسیرهای رادیکالیزاسیون" را قطع کرده و به مسائل اساسی اقتصادی-اجتماعی می‌پردازد (United Nations Development Programme, 2017). سیاست‌گذاران که بر روی این چالش‌ها کار می‌کنند، به منظور ارتقاء اثربخشی ابتکارات خود به یک پایگاه مستند قوی نیاز دارند.

در این پنج کشور، شهروندان به طور کلی واکنش متفاوتی به نحوه برخورد دولت‌های متبوع خود با افراط‌گرایی خشونت‌آمیز نشان می‌دهند. اعتماد عمومی به بخش امنیت، به ویژه پلیس، در سراسر منطقه پایین است، که ممکن است تلاش‌ها برای توسعه رویکردهای پایدار برای مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌آمیز و ناامنی را مختل کند. بسیاری از شهروندان در منطقه از ترس از خشونت گروه‌های افراطی، حتی در مواردی که حوادث واقعی نادر بوده‌اند، گزارش می‌دهند و تمایل خود را برای پذیرفتن محدودیت‌های دولت در مورد برخی از آزادی‌های مدنی، مانند حقوق حریم خصوصی، آزادی جابجایی و آزادی مذهب نشان می‌دهند. این یافته‌ها نیاز به سیاست‌های ضدتروریسم را نشان می‌دهد که اهداف امنیت ملی آنها به هزینه آرمان‌های دموکراتیک و حکمرانی خوب نمی‌رسد.

از سویی دیگر می‌توان بیان نمود که رابطه بین دین و افراط‌گرایی تا حد زیادی ناشی از این واقعیت است که دین می‌تواند به عنوان بیان قدرتمندی از افراد و هویت گروهی، به ویژه در زمینه‌هایی که مذهبی است هویت‌ها با وفاداری به دولت رقابت کند و یا جایی که رهبران و افراد کاریزماتیک در آن حضور دارند و قادر به بهره‌برداری از این پویایی‌ها باشد. باید بیان نمود که در بسیاری از تحلیل‌ها اجماع وجود دارد که افراط‌گرایی خشونت‌آمیز که دین به عنوان یک کاتالیزور عمل می‌کند، اغلب توسط گروه‌های شبه‌نظامی برای مشروعیت بخشیدن به خود مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد خشونت به عنوان پاسخی برای طیف گسترده‌ای از شکایات مدنظر قرار دارد. در حالی که تنها بخش کوچکی از افراد که عمدتاً جوامع مسلمان هستند توسط چنین

افرادی بسیج می‌شوند با این وجود، جذابیت ایدئولوژیکی قانع‌کننده‌ای در این ارتباط وجود دارد (RUSI,2015).

طی دو دهه گذشته، تهدید گروه‌های تندرو خشونت‌آمیز بوده است که حامی روایت‌های بنیادگرایانه مذهبی بوده و در سراسر آفریقا رشد چشمگیری داشته است (Hallowanger,2014). هنگامی که یک جامعه - محلی، ملی یا جهانی - مایل است بخشی از شرایط را در حاشیه قرار دهد، هیچ برنامه یا منابع سیاسی برای اجرای قانون یا سیستم‌های نظارتی نمی‌توانند به طور نامحدود آرامش را تضمین کنند. این موضوع صرفاً به این دلیل نیست که نابرابری واکنش خشونت‌آمیز آن‌ها را برمی‌انگیزد از سیستم مستثنی شده است (Ajide,2021:218). اما به این دلیل که سیستم اجتماعی-اقتصادی در ریشه خود ناعادلانه است سبب بروز این رخداد‌های مرتبط با ظهور گروه‌های تندرو و افراطی می‌گردد. در واقع می‌توان بیان نمود که تروریسم در قاره آفریقا در طول چند دهه به شدت افزایش یافته است. غیردولتی‌ها (گروه‌های تروریستی، شبه‌نظامیان، گروه‌های شورشی و غیره) به طور فزاینده‌ای غیرنظامیان را در کمپین‌های خشونت‌آمیز خود هدف قرار داده‌اند. از سومالی تا مالی و نیجریه تا موزامبیک، این قاره بارها شاهد اعمال خشونت‌آمیز وحشتناکی بوده است که جمعیت غیرنظامی خود را هدف قرار داده است. بر اساس پروژه داده‌های رویدادها و نقاط درگیری مسلحانه در سال ۲۰۱۵، ۳۸۱ حمله غیرنظامیان در آفریقا انجام شد که منجر به کشته شدن ۱۳۹۴ نفر شد. این تعداد در طول سال‌ها به شدت افزایش یافت و تا سال ۲۰۲۰، ۷۱۰۸ حمله غیرنظامیان را هدف قرار داد که منجر به مرگ ۱۲۵۱۹ نفر شد. خطر تروریسم در این قاره به حدی افزایش یافته است که بر اساس گزارش موسسه مشاوره ریسک جهانی، تا سال ۲۰۲۰، هفت کشور از ۱۰ کشور برتر جهان از نظر خطر تروریسم در آفریقا بودند (Mroszczyk,2021:4). داوود (۲۰۱۹) خاطر نشان می‌کند که افزایش خشونت غیرنظامی نشان می‌دهد که چگونه گروه‌های اسلام‌گرای خشن «به طور استراتژیک با توجه به تعداد و سطوح فعالیت نسبی دیگر بازیگران مسلح سازگار می‌شوند» (Dowd,2019:435).

دوران استعمار و حکومت غیردموکراتیک که مشخصه آن بود بسیاری از دولت‌های پس از

استقلال ضد غربی و جهادی را ایجاد کردند جنبش‌ها در سراسر خاورمیانه و جهان اسلام گسترده‌تر گردید (Moore, 2016). این جنبش‌ها از حکومت مذهبی محافظه‌کار به عنوان راه‌حلی برای جوامع مدرن حمایت می‌کنند. مشکلات اجتماعی در دهه ۱۹۹۰، این ایدئولوژی‌ها را به آفریقا گسترش داد، جایی که متخلخل بود مرزها، دستگاه‌های امنیتی ضعیف، حکومت ضعیف، فساد، اختلافات قومی و بیکاری بالای جوانان شرایطی را ایجاد کرد که تحت آن افراط‌گرایان خشن گروه‌ها رشد کردند (Institute of Economics and Peace, 2014).

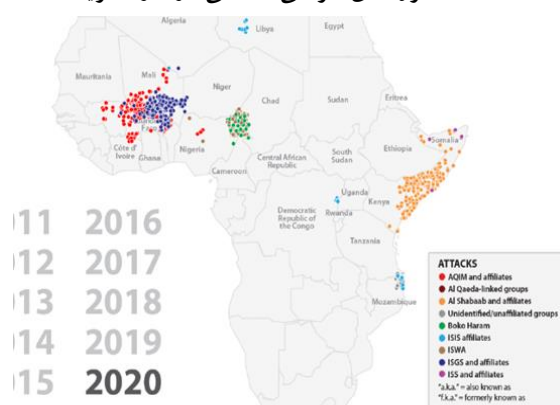
به عنوان مثال، در نیجریه و سومالی، سازمان‌های افراطی خشونت‌آمیز شروع به کار کردند جنبش‌های همگن قومی با نگرانی‌های صرفاً داخلی - سرنگونی دولت‌های مربوطه با گذشت زمان آنها به سمت بیشتر تکامل یافته‌اند اهداف بلندپروازانه سیاسی و حضور فعال در کشورهای همسایه هستند. این گروه‌ها عموماً از مناطق مرزی به دلیل سطوح کمتر حضور و امنیت دولتی که شبکه‌های غیرقانونی و جوامع مرزی آسیب‌پذیر را تسهیل می‌کنند، حمایت می‌کنند. چنین وضعیتی نه تنها ثبات داخلی بسیاری از کشورها، بلکه ثبات منطقه وسیع را نیز به چالش می‌کشد. علاوه بر این، روابط بین گروه‌های جهادی ملی و بین‌المللی افزایش یافته است.

طی دهه گذشته در سال ۲۰۱۲، الشباب با القاعده بیعت کرد، اما اخیراً درگیری‌هایی مبنی بر تغییر این وفاداری به اسلام وجود داشته است دولت عراق و شام (داعش) در اوایل سال ۲۰۱۵، گروه نیجریه بوکوحرام بیعت عمومی با ابوبکر البغدادی سرکرده داعش (Guardian, 2015). این شبکه‌های بین‌المللی نه تنها از نظر مادی و عملی به این گروه‌ها کمک و از آنها حمایت می‌کنند، بلکه اعتبار خود را در جنبش جهادی وسیع‌تر تقویت می‌کنند. رویکردهای تحت رهبری امنیت تا حد زیادی نتوانسته‌اند ردپای جغرافیایی را شامل شوند افراط‌گرایان خشن در جنوب صحرای آفریقا این امر باعث ظهور موارد بیشتری شده است رویکردهای توسعه‌گرا، مانند مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌آمیز و جلوگیری از ابتکارات افراط‌گرایی خشونت‌آمیز، که به دنبال حل ریشه‌ای سیاسی و علل اجتماعی - اقتصادی افراط‌گرایی هستند (Zeiger and Aly, 2015).

نیجریه طی شش سال گذشته شاهد افزایش تصاعدی افراط‌گرایی خشونت‌آمیز بوده است. اکثر این حملات مربوط به بوکوحرام است که این گروه در سال ۲۰۰۹ تأسیس شد، به دنبال سرنگونی

ایالت نیجریه و ایجاد خلافت تحت حاکمیت قوانین شرعی بوکوحرام در سال ۲۰۱۴ از داعش پیشی گرفت مرگبارترین سازمان افراطی خشونت‌آمیز جهان با تخمین زده شدن ۷۵۱۲ نفر در آن سال، افزایش ۳۱۷ درصدی نسبت به سال قبل را به خود اختصاص داده است (Institute of Economics and Peace, 2015). شورای روابط خارجی (۲۰۱۶) برآورد می‌کند که ۲۳۰۰۰ غیرنظامی از آغاز شورش در سال ۲۰۱۰ کشته شده‌اند. دولت نیجریه به دلیل فقدان سیاست منسجم برای مبارزه مورد انتقاد قرار گرفته است. عفو بین‌الملل (۲۰۱۵) گزارش می‌دهد که از زمان شروع شورش، نیروهای نظامی به صورت غیرقانونی اقدام کرده‌اند اعدام بیش از ۱۲۰۰ نفر؛ آنها دست کم ۲۰۰۰۰ نفر را خودسرانه دستگیر کرده‌اند.

شکل (۱): نقشه حملات گروه‌های افراطی اسلامی در قاره آفریقا (۲۰۱۶-۲۰۲۰)



(Source: <https://africacenter.org/spotlight/african-militant-islamist-groups-new-record-violent-activity>)

۵. یافته‌های تحقیق

۵-۱. یافته‌های کتابخانه‌ای

۵-۱-۱. اسلام رادیکال در آفریقا

رشد اسلام رادیکال در آفریقا در دهه‌های اخیر خود را نشان داده است. این عامل در گسترش ایدئولوژی‌های سلفی و وهابی، که داشته است تحت فشار قرار دادن شیوه‌های سنتی و صوفیانه و در ظهور گروه‌های افراطی و تروریستی تحت تأثیر این ایدئولوژی‌ها قرار دارند. این توسعه اسلام رادیکال به دلیل تلاقی تعدادی از آنها از جمله عوامل سیاسی اجتماعی-برخی از آنها در

جهان اسلام در حال رخ دادن هستند و برخی موارد دیگر مختص منطقه آفریقا است. در دسته‌بندی‌های خارجی موارد زیر است: آثار احیای اسلامی در سراسر جهان در چند دهه گذشته، نفوذ سازمان‌های اسلامی بین‌المللی مانند اخوان المسلمین، صادرات اقدامات و اعتقادات سعودی و ایدئولوژی، تأثیر انقلاب عربی، و گسترش شبکه‌های اسلامی افراطی بین‌المللی همه این تحولات در خارج از آفریقا سرچشمه گرفت، اما آنها در آفریقا به دلیل موقعیت جغرافیایی و مجاورت فرهنگی با خاورمیانه این منطقه بازتاب‌های شدیدی داشت. پویایی داخلی که به رشد اسلام‌گرایی رادیکال کمک کرد، شامل رشد جنبش‌های اسلام‌گرای داخل؛ واکنش مسلمانان به تهدیدهای درک شده به ویژه اسلام، فعالیت مبلغین مسیحی؛ و همچنین برخی از کودتاها از جمله کودتای نظامی-اسلامی در سودان در سال ۱۹۸۹، فروپاشی دولت سومالی در سال ۱۹۹۱ و شروع جنگ منطقه‌ای به رهبری ایالات متحده در راستای گسترش تروریسم در آفریقا بوده است (Menkhaus, 2004).

از مصطلح‌ترین نظریاتی که درباره تأثیر وهابیت بر گروه‌های افراطی مطرح شده؛ عبارتست: ایدئولوژی وهابیت و عقاید نوسلفی‌های وهابی تأثیر مستقیمی بر شکل‌گیری و بروز افراطی‌گری در قاره آفریقا داشته و همسو با مداخلات غربی‌ها که نقش غیرمستقیم دارند؛ بعنوان مکمل پدیده افراط‌گرایی؛ عمل می‌نمایند. ایدئولوژی وهابیت در بعد از ظهور تاسیس فرقه وهابیت در شمال آفریقا تأثیرات محدود و ناموزونی در قرن یازدهم (ه.ق) داشته و بعد از پیوند عبدالوهاب با ابن سعود، بصورت تشکیلاتی و سیاسی در تونس، مغرب، الجزایر و لیبی و امروزه در سراسر آفریقا گسترش پیدا کرده است. در قرن ۲۰ میلادی با بازتعریف عقاید وهابیت، نوسلفی‌گری در مصر با اندیشه‌سازی سیدقطب بصورت ایده مبارزاتی مجدداً شکل گرفت و از کشور مصر در غالب ایده تکفیر به کشورهای شمال آفریقا، منتقل گردید و امروز منطقه ساحل در آفریقا که شامل کشورهای مالی؛ نیجریه؛ چاد، موریتانی و نیجر می‌باشند به کانون اصلی افراطی‌گری و حضور نظامی غرب تبدیل شده‌اند و در منطقه شرق آفریقا نیز حضور گروه افراطی بوکوحرام در سومالی و تهدید کشورهای کنیا و اتیوپی به حضور نظامی آمریکا در منطقه منجر گردیده است. با توجه به اینکه وهابیت در ترویج سلفی‌گری، وهابیت از ابزاری فرهنگی و معرفتی در سراسر کشورهای

آفریقایی بهره‌گیری می‌کند و در همین راستا دانشگاه و بنیادهای مختلف راه‌اندازی کرده و است و در بعد فرهنگی با این تکنیک فعالیت می‌کند:

- ✓ فقر فرهنگی و ایدئولوژی مسلمانان آفریقایی
- ✓ عدم فعالیت منسجم جریان بیداری اسلامی و شیعی در جذب علاقمندان در قاره آفریقا
- ✓ دیدگاه منفی نسل جدید آفریقایی از استعمار غرب

۲-۱-۵. سازمان‌های اسلامی

مؤسسات اسلامی نقش مهمی در گسترش رادیکال ایفا کرده‌اند البته طبقات مختلف اسلامی از جمله سازمان‌های غیردولتی وجود دارد که برخی کمک‌های بشردوستانه و امدادی ارائه می‌دهند. برخی درگیر فعالیت‌های توسعه بلندمدت و برخی دیگر داورا(به معنای واقعی کلمه، "دعوت"، فعالیت تبلیغی اسلامی) و در عین حال سایرین نیز به عنوان افرادی برای گسترش اسلام سیاسی یا حمایت از ستیزه‌جویان مورد استفاده گروه‌ها قرار گرفته است. برخی از سازمان‌های غیردولتی اسلامی نگرانی‌های خود را در مورد مسیحیان مطرح کرده‌اند **تبشیر** برای ایجاد نظریه توطئه جدید علیه اسلام، خود را به عنوان حصار در برابر توسعه‌گرایی درک شده نشان می‌دهند که هر دو سازمان غیردولتی غربی و غیرمذهبی محسوب می‌شوند (Mohamed, 2004). به عنوان مثال در سودان، جایی که دولت اقدام جامعی انجام برای اسلامی شدن در دهه ۱۹۹۰، ارائه داد دولت از این کار حمایت کرد و سازمان‌های غیردولتی اسلامی با در اختیار قرار دادن منابعی که به نوبه خود، سازمان‌های غیردولتی اسلامی بین مسلمانان فقیر یا نوکیشان احتمالی توزیع شده است در سومالی و مناطق دیگر که در آن فروپاشی نهادهای دولتی وجود داشت، این مؤسسات به عنوان ارائه‌دهندگان اصلی مراقبت‌های بهداشتی، اولیه باقی ماندند و آموزش متوسطه، آموزش حرفه‌ای و سایر خدمات اجتماعی و همچنین آموزش اسلامی را دربرداشته‌اند. یک سوال کلیدی این است که سازمان‌های غیردولتی خارجی تا چه حد بر اساس موجودیت خود عمل می‌کنند؟ در این ارتباط باید بیان نمود که نهادهای اسلامی برای پیشبرد فعالیت‌های خود اقدامات قابل توجهی را به ثمر رسانده‌اند. به عنوان منتقد باید بیان نمود که این سوال در جایی دیگر مهم‌تر است جایی که مشکلات اقتصادی و اجتماعی ممکن است کار را برای مردم

محلی سخت کند و اعتراض به دستور کار خارجیانی که به آنها کمک می‌کنند. در این رابطه، اگرچه اکثریت مسلمانان در شاخ آفریقا پیرو اسلام سنتی یا صوفی هستند و بر نسخه دینی آن تأکید نموده‌اند NGOهای فراملی اسلامی نسخه سلفی یا وهابی است که تبلیغ می‌شود در سودان، عربستان سعودی و کشورهای خلیج فارس، طرفداران آن به دنبال این موضوع هستند که دین اسلام با از بین بردن زشتی‌ها به دنبال ایفای نقش مهمی در راستای بهبود کیفیت زندگی زنان، افراد متدین و ... هستند.

سازمان‌های اسلامی نقش مهمی در آفریقا ایفا نموده‌اند به عنوان مثال در سومالی قبل از جنگ داخلی تحت دیکتاتوری زیاد باره، فعالیت این سازمان‌ها به شدت کنترل می‌شد. پس از سقوط دولت محمد زیادباره و در هرج و مرج پس از آن، تعداد زیادی از موسسات اسلامی مستقر در خاورمیانه دفاتر خود را در این شهر منتقل کردند سومالی و نفوذ قابل توجهی بر جامعه بدست آورد برخی از این موسسات نقشی اساسی در بازسازی ایفا کرده‌اند نهادهای جامعه مدنی سومالی و در نتیجه تعداد زیادی را به خود اختصاص دادند.

۳-۱-۵. مولفه‌های پیوند نوسلفی‌های وهابی با افراط‌گری در قاره آفریقا

نوسلفی وهابی تاثیر مستقیمی بر گروه‌های افراطی در قاره آفریقا و ظهور گروه‌های الشباب، بوکوحرام، مرابطون و داعش دارد و با اهرم حمایت‌های مذهبی و مالی از جریان‌های افراطی؛ حمایت و پشتیبانی می‌گردد. گروه‌های افراطی در کشورهای آفریقایی مسلمان با تاثر از سلفی‌گری و وهابیت در حال مقابله با دولت‌های حاکم و گسترش خلافت اسلامی ادعایی با شعار اجرای احکام و مخالفت با فرهنگ غرب می‌باشند و در حال حاضر علاوه بر قدرت‌های استعماری که به تحریک افراطی‌گری در قاره آفریقا دامن می‌زنند؛ عربستان؛ قطر و امارات نیز در تعلیم افراطی‌گری و حمایت مالی از نوسلفی‌ها؛ اخوانی‌ها؛ نقش مداخله‌جویانه ایفا می‌کنند. اگر چه نوسلفی‌های وهابی در تشکیل گروه‌های افراطی در کشورهای آفریقایی؛ نقش ایدئولوژیک دارند انگیزه اصلی در فعالیت نوسلفی‌های وهابی در کشورهای آفریقایی حمایت مالی و گسترش تجارب با این کشورها بوده است که قرن‌ها محل تبادلات بازرگانی و تردد کاروان‌های تجاری از شمال و غرب آفریقا به سمت دیگر کشورها بوده‌اند. احیای بازرگانی و تبادلات تجاری از

عوامل موثر جذب مردم بومی صحرانشین آفریقا به ایدئولوژی سلفی گری بوده است و در همین راستا تشکیل انجمن‌های خیریه؛ مدارس دینی و خدمات درمانی مورد استقبال مردم بدوی قرار گرفته است. کشورهای عربستان، امارات، کویت و قطر؛ با انگیزه تبلیغ تحت عنوان مفاهیم مقدس با جریان‌های اسلامی در کشورهای مختلف مالی، موریتانی، صومالی، کومور، تونس و مصر با تاکتیک‌های ذیل تمرکز پیدا کرده‌اند:

- ✓ ارائه تفسیری محتاطانه از اسلام
- ✓ مخالفت با وجوه تعالیم مدرن
- ✓ بکارگیری رفتارهای سختگیرانه و خشن
- ✓ توجه به باورهای قدیمی و نادیده گرفتن حقوق اولیه انسانی بخصوص در مورد زنان
- ✓ عدم تحمل دیدگاه مخالف توسط مبلغان وهابی
- ✓ مقابله با تفسیر صوفی‌گری در اسلام

۴-۱-۵. متغیرها و عوامل مؤثر در شکل‌گیری افراط‌گرایی در آفریقا

در مورد شکل‌گیری و تکوین افراط‌گرایی و جریان‌ات سلفی در کشورهای آفریقا و علل و زمینه‌های آن تاکنون دیدگاه‌های مختلفی ارائه شده است که به طور کلی این نظریه‌ها در دو دسته دیدگاه‌های خُرد یا داخلی و دیدگاه‌های کلان یا خارجی تقسیم‌بندی شده است. بر طبق برخی نظریه‌ها؛ متغیرهای خُرد بر روی مسائل و موضوعات داخلی در کشورهای آفریقایی و شرایطی که بر این قاره حاکم است، متمرکز شده و متغیرهای کلان بر نقش بازیگران فرامنطقه‌ای از جمله قدرت‌های بزرگ غربی را در شکل‌گیری این گروه‌ها دخیل می‌دانند. عامل مهمی که در همراهی مردم بومی و مناطق ساحل با گروه‌های افراطی نقش دارد و باعث ناکامی تشکیل ائتلاف‌ها و عملیات‌های نظامی آمریکا، فرانسه و اتحادیه اروپا از سال ۲۰۰۰ تا کنون در قاره آفریقا گردیده، تجربه منفی مردم آفریقا از پانصد سال استعمار در این کشورها دارد که توسط فرانسه، انگلیس، اسپانیا، آلمان، پرتغال در این قرون بوجود آمده و باعث شکل‌گیری مبارزات مردم مسلمان آفریقا، نهضت‌های آزادی‌خواه و جنبش‌های ضدسفید پوستی در کشورهای مختلف آفریقا شده است.

الف) متغیرهای فرهنگی: اگر بنا بر نظریه سازه‌نگارانه مذهب را بعنوان زیرمجموعه فرهنگی

تلقی نماییم، این عنصر نقش مهمی در ترغیب گروه‌های مختلف آفریقایی اعم از مذهبی و غیرمذهبی به پدیده افراطی‌گری در کشورهای آفریقایی دارد. گروه‌های مذهبی که دارای مذهب مختلف و بومی می‌باشند و خود را میراث‌دار نیاکان و اجداد خود می‌بینند و در مقابل نفوذ فرهنگی غرب و تغییر دین مردم بومی به مسیحیت و تغییر باورهای خود، حالت تدافعی و سپس تهاجمی قرار گرفته و این تنفر را در عرصه‌های مختلف به شکل‌های مختلف بروز داده‌اند. اصلی‌ترین عامل موثر در رشد افراطی‌گری در قاره آفریقا مساله تضاد فرهنگی مردم آفریقا با فرهنگ دولتی حاکم می‌باشد. ساکنان و مردمان آفریقا که با آداب محلی و فرهنگ بومی؛ زندگی می‌کنند و آن را بخشی از هویت خود تلقی می‌کنند؛ در سده‌های اخیر در چندین مرحله؛ هویت خود را در معرض تهدید دیده‌اند. مضافاً در همه این دوران‌ها نقطه مشترک استعمار داخلی و دولت‌های حاکم؛ تکیه حاکمان و دولت‌مردان به فرهنگ غرب بوده است که در این واکنش‌ها در ابعاد مختلف فرهنگی؛ سیاسی؛ اقتصادی و اجتماعی خود را بروز داده است که اهم آن عبارتند:

- ✓ نهضت استقلال سیاسی کشورهای آفریقایی بعد از کنفرانس باندونگ
 - ✓ جنبش پان‌آفریکن برای حفظ هویت آفریقایی
 - ✓ جنبش ضدآپارتاید برای مبارزه تبعیض نژادی
 - ✓ جنبش اجتماعی برای مقابله با فرهنگ استعمار و استعمارزدایی
 - ✓ جنبش مذهبی برای مبارزه با هجوم کفر و سیطره غیرمسلمین بر مسلمانان
 - ✓ استفاده ابزاری از حج
- با توجه به اینکه وهابیت در ترویج سلفی‌گری، وهابیت از ابزاری فرهنگی و معرفتی در سراسر کشورهای آفریقایی بهره‌گیری می‌کند و در همین راستا دانشگاه و بنیادهای مختلف راه‌اندازی کرده است و در بعد فرهنگی با این تکنیک فعالیت می‌کند:
- ✓ فقر فرهنگی و ایدلوژی مسلمانان آفریقایی
 - ✓ عدم فعالیت منسجم جریان بیداری اسلامی و شیعی در جذب علاقمندان در قاره آفریقا
 - ✓ دیدگاه منفی نسل جدید آفریقایی از استعمار غرب

✓ ضعف ساختاری در شاخص ضریب لگاریتم و تفاوت معنادار آن با سایر مناطق جهان (ب) نقش متغیرهای اقتصادی: در سال ۲۰۱۶، هزینه اقتصادی افراطی‌گرایی در آفریقا ۱۵,۵ میلیارد دلار آمریکا بود. این نشان‌دهنده افزایش بیش از ده برابر از آن زمان است ۲۰۰۷، زمانی که هزینه اقتصادی آن ۱,۵۴ میلیارد دلار آمریکا برآورد شد. از نظر نسبی، سهم آفریقا از هزینه اقتصادی جهانی از ۴,۲ درصد در سال ۲۰۰۷، به ۲۰,۳ درصد در سال ۲۰۱۶ افزایش یافته است. ده سال بین ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۶، حداقل ۱۱۹ میلیارد دلار برای قاره آفریقا هزینه داشت. در واقع، این رقم بسیار بیشتر است هنگامی که برآورد خسارت ناخالص داخلی، از دست دادن فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی، هزینه‌های اضافی امنیتی و هزینه‌های پناهندگان/آوارگان محاسبه می‌شود (Drakos, 2015). پروژه یو ان دی پی^۱ با عنوان "پیشگیری و پاسخ به افراط‌گرایی خشونت‌آمیز در آفریقا: رویکرد توسعه"، ۱۸ کشور متمرکز را شناسایی کرده است که تروریسم و پیامدهای آن، از جمله پیامدهای اقتصادی، برجسته‌ترین آنها هستند. سطوح فعالیت‌های تروریستی در آفریقا ۲۰۰۷-۲۰۱۶، کشورهای حومه ۶۰ درصد از کل حملات و ۶۶ درصد از کل تلفات ناشی از تروریسم در آفریقا را متحمل شده‌اند. با توجه به سطوح شدید فعالیت‌های تروریستی در گروه کشورهای متمرکز، جای تعجب نیست که این کشورها عمده هزینه اقتصادی تروریسم در آفریقا را نیز دربرمی‌گیرند. کشورهای متمرکز از سال ۲۰۰۹ به بعد بار سنگین اقتصادی اقتصادی تروریسم را بر دوش گرفتند و این عامل در سال ۲۰۱۱، پس از حوادث بهار عربی، به شدت افزایش یافت (Enhancing, 2014). متغیرهای اقتصادی عبارتند از:

- ✓ فقدان درآمد کافی
- ✓ به حاشیه رانده‌شدن اقتصادی
- ✓ محرومیت نسبی و مطلق
- ✓ فقدان احترام اقتصادی
- ✓ عدم برابر اقتصادی
- ✓ فاصله در ضریب جینی

ج) نقش متغیرهای داخلی: چنانچه برای فهم وضعیت جوامعی که دچار درگیری و خشونت هستند، صرفاً به عوامل خارجی تمرکز کرده یا بر نظریه‌های توطئه‌ای اتکا کنیم، راه به صواب نبرده‌ایم. حقایق مشخص و مشهود پیرامون ما کافی است: جوامع در حال توسعه با تهاجم و اشغال دچار شکاف شدند، روندهای توسعه‌ای آن‌ها با مانع مواجه شد، فقر در آن‌ها در حال گسترش و وخیم‌تر شدن است، پیامدهای منفی فقر برای بافت اجتماعی، مشتمل بر بیکاری گسترده و چشم‌انداز ضعیف برای آینده‌ای بهتر و سالم‌تر، همگی به محیط اجتماعی ناسالمی اشاره دارند که زمینه را برای تولید و تکثیر اشکال مختلف بیماری‌های اجتماعی و خشونت سیاسی فراینده و خود افزا فراهم و بارور می‌کنند.

✓ ناکارآمدی دولت

✓ تلاش برای انحرافات فکری

✓ ایدئولوژی حذف

✓ عامل منطقه‌ای

د) نقش متغیرهای خارجی: گروه‌های افراطی برای جهاد با حضور غربی‌ها و آمریکا: این جنبش‌ها و نهضت‌ها در آفریقا همواره در سیصد سال اخیر فعال بوده‌اند و هرکدام به نحوی در راستای تحقق آرمان خود؛ مبارزه کرده‌اند.

✓ مداخله فرانسه تحت عنوان اتحادیه فرانکوفونی

✓ مداخلات سازمان ملل و نهادهای بین‌المللی

کشورهای استعمارگر که قرن‌ها در تقابل با عناصر هویتی مردم آفریقا و بخصوص مسلمانان شمال آفریقا بودند، باعث شکل‌گیری مبارزه ضداستعماری در الجزایر، لیبی و سایر کشورها در قرن ۲۰ میلادی گردید. در جریان شکل‌گیری افراط‌گرایی در آفریقا، اگر چه قدرت، زور، نیروی دریایی، سازمان فرانکفونی و سایر معیارهای واقع‌گرایی و نواقح‌گرایی حضور داشتند، اما مقابله گروه‌های مخالف افراطی به درگیری محدود و مقابله با نفوذ فرهنگی محدود گردید و وهابیان با سوی استفاده از این موضوع در صدد ترغیب و سازماندهی گروه‌هایی بنام وهابیت و سلفی‌گری نمودند.

جدول (۱): شاخص‌های مورد نظر تحقیق

ردیف	متغیر	کد	ردیف	متغیر	کد
۱	نهضت استقلال سیاسی کشورهای آفریقایی بعد از کنفرانس باندونگ	A1	۱۲	فقر فرهنگی و ایدئولوژی مسلمانان آفریقایی	A12
۲	جنبش پان آفریکن برای حفظ هویت آفریقایی	A2	۱۳	عدم فعالیت منسجم جریان بیداری اسلامی	A13
۳	جنبش ضدآپارتاید برای مبارزه تبعیض نژادی	A3	۱۴	دیدگاه منفی نسل جدید آفریقایی از استعمار غرب	A14
۴	جنبش اجتماعی برای مقابله با فرهنگ استعمار و استعمارزدایی	A4	۱۵	ضعف ساختاری در شاخص ضریب لگاریتم و تفاوت معنادار آن با سایر مناطق جهان	A15
۵	جنبش مذهبی برای مبارزه با هجوم کفر و سیطره غیرمسلمین بر مسلمانان	A5	۱۶	فقدان درآمد کافی	A16
۶	استفاده ابزار از حج	A6	۱۷	به حاشیه رانده شدن اقتصادی	A17
۷	فقر فرهنگی و ایدئولوژی مسلمانان آفریقایی	A7	۱۸	فاصله در ضریب جینی	A18
۸	محرومیت نسبی و مطلق	A8	۱۹	ناکارآمدی دولت	A19
۹	فقدان احترام اقتصادی	A9	۲۰	تلاش برای انحراف	A20
۱۰	عدم برابر اقتصادی	A10	۲۱	ایدئولوژی حذف	A21
۱۱	مداخله فرانسه تحت عنوان اتحادیه فرانکوفونی	A11	۲۲	مداخلات سازمان ملل و نهادهای بین‌المللی	A22

تکنیک دیمتل توسط فونتال گابوس در سال ۱۹۷۱ ارائه شده است و یکی از روش‌های تصمیم‌گیری براساس مقایسات زوجی است که نتایج حاصل از آن با مراجعه به نخبگان بدست خواهد آمد. از این تکنیک در استخراج عوامل سیستمی و ساختاردهی نظام‌مند استفاده می‌شود. از آنجا که گراف‌ها به خوبی نشان‌دهنده روابط عناصر با یک سیستم را نشان می‌دهند لذا این تکنیک مبتنی بر نمودارهایی است که می‌تواند عوامل درگیر را به دو گروه علت و معلول تقسیم نماید و رابطه میان آنها را به صورت یک مدل ساختاری قابل درک در آورد. با توجه به اینکه تمامی عناصر تشکیل‌دهنده جریان‌های افراطی‌گری آفریقا در ارتباط با یکدیگر و در غالب یک رویکرد سیستمی مطرح می‌شوند و دارای ارتباطات گسترده‌ای هستند برای تعیین میزان این ارتباطات از روش سیستمی دیمتل استفاده شد که در ادامه به بررسی این موضوع پرداخته

می‌شود:

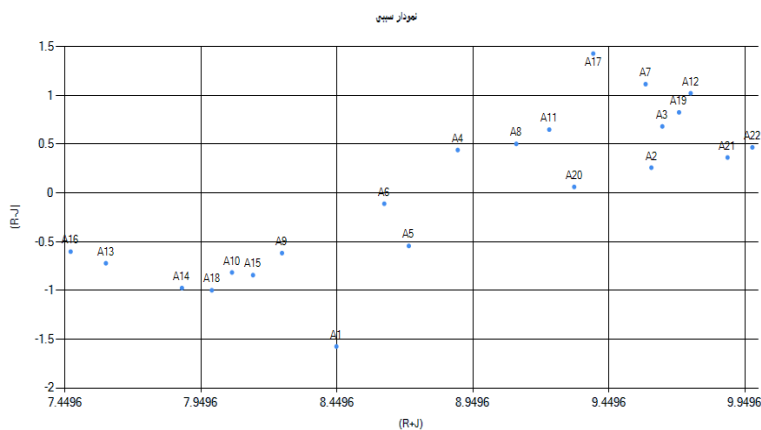
جدول (۱): محاسبه روابط میان شاخص‌های جریان‌های افراطی نوسلنی‌گرایی در آفریقا

شاخص	مجموع ستونی R	مجموع ستونی J	R+J	R-J
A17	5.4099	3.982	9.3918	1.4279
A12	5.3857	4.3643	9.75	1.0213
A7	5.3496	4.2347	9.5843	1.1149
A19	5.2663	4.441	9.7073	0.8252
A22	5.2217	4.755	9.9767	0.4667
A3	5.1636	4.4822	9.6458	0.6815
A21	5.1239	4.7617	9.8856	0.3622
A11	4.9393	4.2909	9.2301	0.6484
A2	4.9319	4.6736	9.6055	0.2583
A8	4.8056	4.3035	9.109	0.5021
A20	4.6915	4.6303	9.3218	0.0612
A4	4.6664	4.2273	8.8937	0.4391
A6	4.2563	4.3675	8.6237	-0.1112
A5	4.0849	4.6291	8.714	-0.5442
A9	3.815	4.4329	8.2479	-0.6179
A15	3.6487	4.4924	8.1412	-0.8437
A10	3.6237	4.4403	8.064	-0.8166
A18	3.4955	4.4944	7.9899	-0.9989
A14	3.4519	4.4279	7.8799	-0.976
A13	3.4392	4.1612	7.6004	-0.722
A1	3.4362	5.0117	8.4479	-1.5755
A16	3.434	4.0368	7.4708	-0.6027

در بررسی جریان‌های سلفی در آفریقا ۲۲ معیار و شاخص مطابق جدول (۱) پرداخته شد. میزان اهمیت شاخص‌ها ($J_i + R_i$) و رابطه بین معیارها ($J_i - R_i$) مشخص می‌گردد. اگر $J_i - R_i > 0$ باشد معیار مربوطه اثرگذار و اگر $J_i - R_i < 0$ باشد معیار مربوطه اثرپذیر است. جدول بالا، $J_i - R_i$ و $D_i + R_i$ را نشان می‌دهد. نمودار (۲) میزان اهمیت و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بین معیارها را نشان می‌دهد. بردار افقی ($J + R$) میزان تأثیر و تأثر عامل مورد نظر در سیستم است.

به عبارت دیگر هرچه مقدار $J + R$ عاملی بیشتر باشد، آن عامل تعامل بیشتری با سایر عوامل سیستم دارد. متغیرهایی مانند ایدئولوژی حذف، مداخلات سازمان ملل و نهادهای بین‌المللی، فقر فرهنگی و ایدئولوژی مسلمانان آفریقایی، ناکارآمدی دولت، جنبش ضدآپارتاید برای مبارزه تبعیض نژادی و ... در منطقه نشان‌دهنده تعامل بالا و ارتباط سیستمی قوی با سایر متغیرها هستند. از سویی دیگر همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد بردار عمودی ($J - R$) قدرت تأثیرگذاری هر عامل را نشان می‌دهد. متغیر فقر فرهنگی و ایدئولوژی مسلمانان آفریقایی، به حاشیه رانده شدن اقتصادی، ایدئولوژی حذف، مداخله فرانسه تحت عنوان اتحادیه فرانکوفونی، محرومیت نسبی و مطلق، جنبش اجتماعی برای مقابله با فرهنگ استعمار و استعمارزدایی و ... علت این مدل سیستمی محسوب می‌شوند. و عواملی مانند عدم فعالیت منسجم جریان بیداری اسلامی، دیدگاه منفی نسل جدید آفریقایی از استعمار غرب، ضعف ساختاری در شاخص ضریب لگاریتم و تفاوت معنادار آن با سایر مناطق جهان، فقدان درآمد کافی و ... به عنوان معلول نمایش داده شده است. به طور کلی اگر $J - R$ مثبت باشد، متغیر یک متغیر علی محسوب می‌شود و اگر منفی باشد، معلول محسوب می‌شود.

شکل (۲): نمودار روابط علی و معلولی بین شاخص‌ها



تحقیقات موجود از ادبیات مربوط به جریان‌های سلفی و تروریست‌ها ممکن است چند مسیر را برای توضیح این روندها در قاره آفریقا ارائه دهد. محققان مدت‌هاست به دنبال توضیح چگونگی توسعه استراتژی‌های هدف‌گیری گروه‌های تروریستی و شورشی، از جمله مزایای بالقوه‌ای که

از رویکردهای مختلف به دست می‌آورند، بوده‌اند. برخی از این عوامل مرتبط با جریان‌های سلفی ممکن است به عوامل خارجی، به حاشیه رانده‌شدن اقتصادی، یا عوامل داخلی، مانند توجیهات ایدئولوژیک یا مشکلات مرتبط با فقر فرهنگی عامل اصلی نسبت داده شوند. حداقل دو نظریه از این دست در زمینه آفریقا ارزش بررسی دارند و ممکن است به توضیح این روند کمک کنند. اول، بازار خشونت در این قاره مملو از گروه‌های مسلح مختلف است که بسیاری از آنها وابسته به گروه‌های تروریستی بزرگ بین‌المللی مانند القاعده و دولت اسلامی یا داعش هستند که به دنبال نفوذ، قدرت و دسترسی هستند. به منابع این رقابت، همانطور که در ادبیات نشان داده شده است، می‌تواند منجر به افزایش اقدامات تروریستی شود. دوم، توجیهات مذهبی برای خشونت مورد استفاده توسط گروه‌های مسلح در آفریقا نیز با هدف قرار دادن بی‌رویه افراد همراه است. در حالی که بسیاری از عوامل دیگر به تروریسم در آفریقا کمک می‌کنند، این دو عامل به ویژه برای درک افزایش چشمگیر جریان‌های سلفی و تروریستی در این قاره مهم باشند. تشکیل و گسترش افراطی‌گری در کشورهای آفریقایی علاوه بر اینکه معلول عوامل مختلفی همچون نوسلفی و هابی، پدیده استعمار در منازعات داخلی؛ عدم توسعه‌یافتگی؛ فقر، بیکاری؛ فساد دولت؛ عدم توان دولت مرکزی در کنترل مناطق مختلف کشور؛ دخالت نظامی غرب و فرانسه؛ ارسال اسلحه از سوی آمریکا؛ روی کارآمدن دولت‌های وابسته؛ مقابله با رسوم مذهبی اقوام و مذاهب مختلف آفریقایی؛ بی‌توجهی به هویت مسلمانان؛ تبلیغ مسیحیت؛ خطر افتادن هویت قبایل بومی، نداشتن آموزش؛ نبود بهداشت؛ فقدان امید؛ به حاشیه رانده‌شدن، محرومیت، فقدان احترام و آزادی مذهبی می‌باشد. با توجه به افزایش سریع رقابت میان گروه‌های سلفی در این قاره، اعمال نظری‌های بین‌سازمانی تروریسم در آفریقا معقول است. با نابودی سریع خلافت در سوریه (۲۰۱۸)، جنگجویان سلفی بسیاری از عملیات‌های خود را از خاورمیانه به آفریقا منتقل کرده‌اند، که به نوبه خود به خشونت بیشتر دامن می‌زند زیرا رقبا به دنبال منابع، حامیان و اعتبار هستند. به نظر نمی‌رسد این روند جغرافیایی کوتاه‌مدت باشد. به صورت کلی بر مبنای داده‌های میدانی می‌توان بیان نمود که آفریقا تا ۲۰ سال آینده میدان جنگ جهاد و سلفی‌گرایی خواهد بود و جایگزین خاورمیانه خواهد شد. به طور مشابه، کالین کلارک و ژاکوب زن پیش‌بینی می‌کنند

که درگیری بین دولت اسلامی و وابسته‌های القاعده رقابت برای اعتبار، استخدام و منابع را به همراه خواهد داشت، زیرا گروه‌ها برای تسلط سازمانی رقابت می‌کنند. به طور خاص، قاره آفریقا به عنوان یک میدان جنگ کلیدی در درگیری بین القاعده و دولت اسلامی ظاهر شده است. رئیس دفتر سازمان ملل متحد برای غرب آفریقا و ساحل^۱ خشونت تروریستی ناشی از آن را "بی‌سابقه" توصیف کرد و خاطرنشان کرد که "پیامدهای انسانی هشداردهنده" با افزایش پنج برابری تلفات ناشی از تروریسم بین سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ در بورکینافاسو، مالی و نیجر است. بیشتر خشونت‌ها از درگیری بین گروه‌های وابسته به دولت اسلامی در صحرای بزرگ^۲ و جماعت نصرالاسلام و المسلمین^۳ وابسته به القاعده ناشی شده است. این دو گروه نه تنها بر سر منابع، کنترل مناطق عملیاتی و سربازگیری با یکدیگر رقابت کرده‌اند، بلکه در خصومت‌های آشکار علیه یکدیگر در سراسر ساحل شرکت داشته‌اند. بنابراین، در آفریقا، می‌بینیم که ظهور تروریسم منجر به رقابت بین گروهی مطابق با ادبیات نظری در مورد درگیری بین‌المللی در این منطقه شده است.

۶. نتیجه‌گیری

در سه قرن اخیر که از تشکیل فرقه وهابیت می‌گذرد، سران وهابی با حمله به حرمین شریفین و اشغال مکه و مدینه از ابراز کنترل کعبه و تسلط بر خانه خدا برای ترویج ایدئولوژی وهابیت سود جستند و ابزار حج همواره اهرمی برای تاثیرگذاری بر علما و شخصیت‌های مسلمان قاره آفریقا و تزریق افکار وهابیون به حجاج و زائران الهی بوده است. اهرم کنترل راه‌های ارتباطی تردد کاروان‌های حج که از کشورهای آفریقایی به فریضه حج عازم می‌گردند و سهمیه‌بندی حجاج از دیگر ابزارهای ساماندهی وهابیون می‌باشد. مبلغان وهابی که در ابتدای تبلیغ بدعت وار خود به رهبری هبدالوهاب اقدام به ارسال نامه و کتب عقاید خود به سران کشورهای اسلامی بخصوص در تونس و مراکش می‌کردند، نقطه اصلی خود فعالیت‌های را بر منطقه مغرب اسلامی

1. The United Nations Office for West Africa and the Sahel (UNOWAS)

2. The Islamic State in the Greater Sahara (ISGS)

3. Jamaat Nusrat al-Islam wal Muslimeen (JNIM)

که در شمال آفریقا قرار دارد، گذاشتند و با تاسیس مدارس دینی و دانشگاه‌های اسلامی به تفسیر رای از متون فقهی و شریعت اسلامی پرداختند.

ابزار وهابیون در مکه و مدینه، حلقه‌های تدریس در مسجدالحرام و مسجد نبوی می‌بوده است و این شیوه سنتی آموزش همچنان توسط مفتی‌های وهابی و محصلان آفریقایی دنبال می‌شود. از طرف دیگر جریان‌های نوسلفی همچون اخوان المسلمین و شبکه‌های وابسته به آن با جذب دانشجویان و نخبگان کشورهای مسلمان آفریقایی در غالب دانشگاه‌ها و مراکز جدید آموزشی اقدام نمودند و با الگوگیری از ساختار آموزشی غرب به تربیت محصلان اسلامی و ترسیم مبانی بنیادگرایی اسلامی، روی آوردند. در حال حاضر وهابیون و سلفیون توأمأ از شیوه‌های آموزش و تدریس سنتی و مدرن توأمأ بهره می‌برند و با همه ابزارهای خود چه مسجد، چه دانشگاه، چه مرکز فقهی به گسترش وهابی‌گری در قاره آفریقا و نفوذ در میان مستنمندان و فقرا بهره‌گیری می‌کنند. ایدئولوژی وهابیت که رگه‌های تشکیلاتی و مالی آن در عربستان، کویت، امارات و قطر بچشم می‌خورد، امروزه برای حضور در قاره آفریقا به گسترش دیپلماسی سیاسی خود روی آورده است و با ایجاد صندوق‌های توسعه‌ای و بنیادهای خیریه در آفریقا سرمایه‌گذاری گسترده‌ای در امور آموزشی، بهداشتی و خیریه‌ای دارند. عربستان که حمایت مالی آن از گروه‌های تکفیری و تروریستی برای همه جهانیان آشکار شده است و حامی اصلی تروریسم تکفیری می‌باشد، برای خروج از انزوای جهانی با حمله به یمن و تشکیل ائتلاف کشورهای عربی، سیاست تطمیع سران آفریقایی و حمایت از روسای جمهور مزدور آفریقایی را در دستور کار خود قرار داده است و با حضور در نشست‌های مشترک با سران اتحادیه آفریقا با توزیع دلارهای نفتی به یارگیری در عرصه بین‌المللی مشغول می‌باشد. اهرم کویت: صندوق توسعه کویت و اهرم عربستان: دانشگاه‌های وهابی و سعودی. همان‌گونه که نتایج حاصل از تکنیک دیمتل نشان می‌دهد فقر فرهنگی و ایدئولوژی مسلمانان آفریقایی، به حاشیه رانده‌شدن اقتصادی، فقر فرهنگی و ایدئولوژی مسلمانان آفریقایی و ناکارآمدی دولت دارای بیشترین تاثیرگذاری بر افراط‌گرایی در قاره آفریقا هستند و از سویی دیگر عواملی همچون فقدان درآمد کافی، عدم فعالیت منسجم جریان بیداری اسلامی، نهضت استقلال سیاسی کشورهای آفریقایی بعد از

کنفرانس باندونگ تأثیرپذیری کمتری دارند. بنابراین می‌توان بیان نمود که جنبش‌های مرتبط با افراطی‌گرایی و تروریسم در قاره آفریقا تا حدود زیادی با فرهنگ و اوضاع اقتصادی مردم این قاره گره خورده است. قاره آفریقا به علل گوناگون از جمله ضعف‌های مختلف نرم‌افزاری و سخت‌افزاری اعم از عقب‌ماندگی‌های اقتصادی، بی‌ثباتی‌های سیاسی، نابرابری‌های اجتماعی و در کنار آن مداخلات خارجی که منافع خود را جز در ناامنی و بی‌ثباتی نمی‌بینند، هم اکنون به بهشت گروه‌های افراطی و تروریست‌های خشونت‌طلب و رعب‌انگیز تبدیل شده است. این در حالی است که مبارزه با پدیده شوم افراط‌گرایی و تروریسم نیز فقط از طریق شیوه‌های سخت‌افزاری و نظامی که قدرت‌های غربی از آن به عنوان یک راهبرد برای دفع تروریسم در این منطقه استفاده می‌کنند، نه تنها تاکنون منجر به ریشه‌کنی تروریسم در این نقطه از جهان نشده بلکه نتیجه عکس داده و موجب جذب فزاینده نیرو توسط گروه‌های تروریست در کشورهای آفریقایی شده است. حال با اوصافی که ذکر شد، با توجه به علل و زمینه‌های رشد تروریسم که در سطور بالا مورد تبیین قرار گرفت به نظر می‌رسد انجام اصلاحات ساختاری چه در حوزه اقتصاد و سیاسی و چه توسعه اجتماعی در بلندمدت یکی از راهکارهای اصولی برای مهار تروریسم و افراط‌گرایی در قاره سیاه بوده، چنان‌که می‌تواند تأثیر بسیار عمیق‌تر و پایدارتری در جهت از بین بردن تروریسم در آفریقا داشته باشد. همچنین رفع فقر، بسترسازی مناسب برای رسیدن به توسعه پایدار، برقراری تعاملات محلی بین سران گروه‌های درگیر و حکومت‌های مستقر، پاسخگویی به اولویت‌های محلی برای برانگیختن و تضمین مشارکت محلی و نیز از بین بردن نارضایتی‌های قومی و مذهبی می‌تواند ابزارهای مؤثر دیگری برای جلوگیری از افراطی‌گری و تحریکات خشونت‌آمیز در قاره آفریقا باشد. افزون بر این‌ها راهکار مؤثر دیگر، بهره‌گیری از توانایی‌های گروه‌های اسلام‌گرای میانه‌رو است تا با استفاده از ظرفیت‌های تاریخی و اشتراک‌های فرهنگی خود بتوانند به ایجاد، پیشبرد و تثبیت روند صلح در این منطقه کمک کنند.

۷. قدرت‌دانی

نگارندگان از معاون پژوهشی دانشگاه تربیت مدرس و دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز جهت فراهم نمودن شرایط لازم در به انجام رساندن این مقاله تشکر می‌نمایند.

References

1. Abu Zaid, N.H (2007). Critique of religious discourse, translated by Hassan Yousefi Eshkevari and Mohammad Javaherkalam, Tehran, Yadavaran.
2. Ahmadipour Z; Junidi, R; Agha Golzadeh, F (2015). Conceptualizing the Geopolitical Discourse of Terrorism The Geopolitical Illustration of the Bush Administration in the Middle East, *Geopolitics Quarterly*, Year 12, Issue 3, Fall 2016, pp. 53-28. **[In Persian]**
3. Ajide, K. B.; Alimi, O. Y. (2021). Income inequality, human capital and terrorism in Africa: Beyond exploratory analytics. *International Economics*, 165, 218–240. doi:10.1016/j.inteco.2021.01.003.
4. Etaat, J; Dabiri, A.A (2015). A Study of the Spatial Dimensions of Terrorism, *Geopolitics Quarterly*, Twelfth Year, Second Issue, Summer 2016, pp. 47-24. **[In Persian]**
5. Elischer, S (2019). “Partisan Politics Was Making People Angry”: The Rise and Fall of Political Salafism in Kenya. *The Journal of the Middle East and Africa*, 1–16. doi:10.1080/21520844.2019.1580088.
6. Darvishi, F; Hatamzadeh, A (2013). The Process of Exposing the United States and the European Union to Terrorism from Different Perceptions to Joint Cooperation, *Geopolitics Quarterly*, Year 9, Issue 2, Summer 2013, pp. 160-136. **[In Persian]**
7. Dowd, C. (2019). Fragmentation, Conflict, and Competition: Islamist Anti-civilian Violence in Sub-Saharan Africa. *Terrorism and Political Violence* 31(3): 433-453.
8. Drakos, K; Christos, K. (2015). “A Note on the Effect of Terrorism on Economic Sentiment.” *Defence and Peace Economics* 26(6): 600–608. <http://dx.doi.org/10.1080/10242694.2015.1016295>.
9. Enders, W; Olson, E (2012). “Measuring the Economic Costs of Terrorism.” *The Oxford Handbook of the Economics of Peace and Conflict*. Enhancing .
10. Financial Innovation & Access (2014a). “EFinA Access to Financial Services in Nigeria 2014 Survey Key Findings: Domestic Remittances in Nigeria.” AP Schmid, The revised academic consensus definition of terrorism, *Perspectives on Terrorism*, 6:2, 2012.
11. Fabricius, P. (2020). Is Islamic State taking charge of Mozambique’s jihadist insurgency? Institute for Security Studies. 10 January.
12. Guardian. (2015). Boko Haram declares allegiance to Islamic State. Published 8 March 2015. Available at <http://www.theguardian.com/world/2015/mar/07/boko-haram-suicide-bombers-50-dead-maiduguri>.
13. Global Terrorism Database.(2016). Available at: <http://www.start.umd.edu/gtd>. Accessed: 27 April 2016.
14. Hallowanger, J. D. (2014). The rise of terrorism in Africa. Commentary. Front Page Africa. 10 February 2014. Available at: <http://www.frontpageafricaonline>

- .com/index.php/op-ed/commentaries-features/665-the-rise-of-terrorism-in-africa.
15. Institute of Economics and Peace (2014). Available at: <https://www.economicsandpeace.org>.
 16. Institute of Economics and Peace (2015). Available at: <https://www.economicsandpeace.org>.
 17. Institute of Economics and Peace (2018). Available at: <https://www.economicsandpeace.org>.
 18. Kaviani Rad, M; Azami, H; Bakhshi, A; Rasouli, M (2018). Explaining the Realm of Fundamentalist Organizations in Fragile Governments (Case Study: ISIL in Egypt), *Geopolitics Quarterly*, Volume 14, Number 1, Spring 2018, pp. 57-26.
 19. Karagiannis, E (2018). The rise of electoral Salafism in Egypt and Tunisia: the use of democracy as a master frame. *The Journal of North African Studies*, (), 1–19. doi:10.1080/13629387.2017.1417124.
 20. Ousman, M.K (2017). Salafism in Nigeria: Islam, Preaching and Politics, *Alex Thurston, Journal for Islamic Studies*, Vol. 36, No. 1
 21. Khani, M.H; Mohammadi Sirat, H (2015). The Impact of Ideology on National Interests and National Security in the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran; Emphasizing Imam Khomeini's Thought, *Quarterly Journal of Political Research in the Islamic World*, Year 6, Issue 4, Winter 2016, pp. 117-91. **[In Persian]**
 22. Mohamed Salih, M. A.(2004). "Islamic NGOs in Africa: The Promise and Peril of Islamic Voluntarism," in Alex de Waal, ed., *Islamism and Its Enemies in the Horn of Africa*, Bloomington and Indianapolis: Indiana University Press, 2004, pp. 146–147.
 23. Moore, J. (2016). The evolution of islamic terrorism: An overview. *Public Broadcasting Service (PBS). Frontline*. Available at <http://www.pbs.org/wgbh/pages/frontline/shows/target/etc/modern.html>. Accessed 9 March 2016. National Consortium for the Study of Terrorism and Responses to Terrorism. (2016).
 24. Mets, S. (2019). How to handle the threat of an expanding Islamic State in Africa. *World Politics Review*. 14 June.
 25. Mroszczyk, J; Abrahms, M (2021). *Terrorism in Africa: Explaining the Rise of Extremist Violence Against Civilians*, Apr 9 2021.
 26. National Consortium for the Study of Terrorism and Responses to Terrorism. (2019). *Global Terrorism Database*.
 27. Rasouli, M; Shariati, Sh (2020). Geopolitical Analysis of the Boko Haram Terrorist Threat in West Africa, *Geopolitics Quarterly*, Volume 16, Number 3, Fall 2020, pp. 228-203. **[In Persian]**
 28. Al-Sayed, R (2007). *Contemporary Political Islam in the Struggle of Identity and*

- Modernity, translated by Majid Moradi, Tehran, Baz Publications.
29. RUSI (2015). Ethnic identity can play a similar function and has been found to do so in some but not all violent extremist settings in Africa. See ISS (2014).
 30. Swart, J. (2018). Durban bomb series and the East Africa connection. Islamic Theology of Counter-Terrorism.
 31. Silvio, V (2013). A Theory of Global Civilization: Rationality and the Irrational as the Driving Forces of History. Kindle Ebooks.
 32. Schlenker, B.R.; Chambers, J.R.; Le, B.M. (2012). "Conservatives are happier than liberals, but why? Political ideology, personality, and life satisfaction". *Journal of Research in Personality*. 46 (2): 127–146. doi:10.1016/j.jrp.2011.12.009
 33. Timur, R. K (2021). Politicization of salafism in the Middle East and North Africa, 10.31857/S032150750012794-5.
 34. United Nations Office on Drugs and Crime. (2015). UNODC facilitates security cooperation between G5 Sahel states. Available at <https://www.unodc.org/westandcentralafrica/en/g-5-security-cooperation-mali-workshop-oct-2015.html>. Accessed 10 March 2016.
 35. United Nations Security Council. (2013). Final report of the panel of experts established pursuant to resolution 1973 (2011) concerning Libya. Letter dated 15 February 2013 from the Panel of Experts on Libya to the president of the Security Council. Published 9 March 2013. Available at http://www.securitycouncilreport.org/atf/cf/%7B65BFCF9B-6D27-4E9C-8CD3-CF6E4FF96FF9%7D/s_2013_99.pdf.
 36. United Nations Development Programme. (2016). Preventing and responding to violent extremism in Africa: A development approach.
 37. United Nations Development Programme. (2017). Journey to extremism in Africa: Drivers, incentives and the tipping point for recruitment.
 38. Zeiger, S.; Aly, A. (Eds.) (2015). Countering violent extremism: Developing an evidence-base for policy and practice. Perth, Australia: Curtin University. Available at <http://www.hedayah.ae/pdf/cve-edited-volume.pdf>.